

منطق شهید مطهری در ماجرای فلسطین

محمدحسین مطهری

دکتر فلسفه

«عصر روز نهم آوریل ۱۹۴۸ ناگهان نعره‌های گوش خراش بلندگوه‌های اسرائیل در روستای دیربسیان که در کناره‌بیت المقدس واقع است، پیچیده و با ارعاب و تهدید، مردم را در دعوت به تخلیهٔ وحشیانهٔ دیوارن کارکن دار و نذار خود می‌کردند. مردم بی‌دفاع، گیج و حیران و مضطرب، برای فهمیدن علت حادثه به هر سو می‌دویدند. جنایت‌پیشه‌های وحشی عده‌ای از دختران عرب را اسیر کردند و لخت و عریان در کامیون‌های بی‌سرویش ریختند و در شهرهای یهودی مخصوصا در شهر بیت‌المقدس جدید از بین مردم عبور می‌دادند و یهودیان زدل و پست از آنان عکس می‌گرفتند. این جنایت وحشیانه دنیا را تا کن داد. جمعیت صلیب سرخ بین‌المللی آقای دکینگر برای مطالعه وضع این روستا فرستاد. یهودیان پس از اطلاع یک روز موعد بازآرید را به عقب انداختند و در ظرف یک روز تا آنجا که توانستند آثار جنایت را محو کردند و مخصوصا اجساد مئه‌شده گنبد و پنجاه نفر در قاجی ریختند و در آن ریاستند.»

این آغاز اعلامیه‌ای است که ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ در بازار تهران پخش شده و سه حساب‌مشترک‌میان علامه طباطبایی، استادمطهری و سیدابوالفضل موسوی زنجانی در بانک ملی، بانک بازرگانی و بانک صادرات برای جمع‌آوری کمک به فلسطینی‌ها معرفی شده‌بود. سخنرانی مشهور شهیدمطهری دربارهٔ فلسطین در ۲۷ اسفند۱۳۴۸ به کرات از صدا و سیما پخش شده و خود من مثل خیلی از شما هم بار که باهمی برای شرکت در راهپیمایی روز قدس شل شده‌وزم به تهیهی این سخنرانی نرسیده‌ام. خیلی‌ها منی دانند این سخنرانی در روز عاشورا با هدف ترغیب مردم به انفاق واجب دربارهٔ فلسطین ایراد شده‌است. ۷ اردیبهشت ۱۳۴۹ مصادف با روزعین سیدالشهدا(ع) شهید مطهری خیر افتتاح حساب به نیت کمک به مردم مظلوم فلسطین را روی منبر اعلام کرد. ساواک که پس از سخنرانی اول ایشان را بازداشت کرده بود، بعد از اعلام افتتاح حساب در سخنرانی دوم هر سه نفر را احضار کرد و مانع ارسال کمک‌ها شد. باتدبیر شهیدمطهری قبضی از آیت‌الله سیدکاظم شریعتمداری گرفته شد و پول‌های جمع‌آوری شده در مکه به فلسطینی‌ها تحویل داده شد.

یکی از عوامل کاهش اثرشوندگی، میزان وفور و دسترسی است. مثلاً طلا از آهن قیمت بیشتری دارد چون آهن از فراوانی برخوردار است. ما امروز در ایرانی زندگی می‌کنیم که در قاع از فلسطین از آهنی که باید برایش هزینه‌داد به یک وظیفه اداری و سازمانی تنزل کرده‌است. شاید از همین سخنرانی شهید مطهری هم از بس که جلوی چشم و گوش ما بوده به ساگی بگذریم. من می‌خواهم چند قدم از این سخنرانی فاصله بگیرم و با فاصله ببینمش و به اندازه یک یادداشت فشرده در پنج سرصفل در کنار شما محروهای مهم دیدگاه شهید مطهری دربارهٔ ماجرای فلسطین را مرور کنیم.

۱) ماجرای فلسطین چیست؟

یهودی‌های دنیا بعد از اینکه در نیمه‌دوم قرن نوزدهم در اروپا خصوصاً در روسیه و آلمان زجر و شکنجه و آزار می‌بینند، ایدهٔ خانه‌ای برای یهودی‌ها، راطح می‌کنند. صهیونیسم به عنوان یک اندیشه و حزب سیاسی می‌گردد تا وقتی که مادر اطراف دنیا متفرق هستیم، در هر جا اقلیتی هستیم، سرزوش ما همین است. ما باید مرکز را انتخاب کنیم و همه یهودی‌ها آنجا جمع شوند. ابتدا آرژانتین و اوگاندا به عنوان کشور یهودی انتخاب شد و به نتیجه نرسید و در نهایت با این ادعا که در سه هزار سال پیش دو نفر از ما (داد و سلیمان) برای مدت موقتی در آنجا سلطنت کرده‌اند، فلسطین را به عنوان ارض موعود خود انتخاب کردند. سرزمین فلسطین نه قبل از اسلام نه بعد از اسلام به یهود تعلق نداشت. روزی که مسلمان فلسطین را فتح کردند، در اختیار مسیحی‌ها بود نه یهودی‌ها؛ و اتفاقاً یکی از شروط مسیحی‌ها برای مصالحه با مسلمان این بود که شما یهود را در این‌جا راه ندهید. ما با شما زندگی می‌کنیم ولی با یهود زندگی نمی‌کنیم. جنگ جهانی اول که پیش می‌آید، متفقین با عثمانی‌ها می‌جنگند. با تحریک متفقین، اعرابی که از حکومت عثمانی به ستوه آمده بودند از داخل، علیه حکومت عثمانی جنگ‌یدند. انگلیسی‌ها به اینها قول قطعی دادند که ما به شما استقلال می‌دهیم به شرط اینکه به نفع ما با عثمانی‌ها بجنگید. در خلائی که این بدبخت‌های نادان ناگاه داشتند با دولت تا حدودی اسلامی خودشان می‌جنگیدند. انگلستان قول و قرار خود را با حزب صهیونیسم محکم کرد که فلسطین را در قلب کشورهای اسلامی به شما می‌دهیم. جامعه ملل به وجود می‌آید و در مادهٔ ۲۲ پیمان ورسای تصویب می‌شود: «منطقه‌ی که در نتیجه جنگ، از دول بزرگ جدا شده‌اند و تحت سلطهٔ آنها خارج گردیده و کشورهای کوچکی که اهالی آنها به تنهایی و به قدرت خود در معرکه حیات جدید نمی‌توانند مستقل و پارچا بمانند مشمول آن اصل از پیمان هستند که می‌گوید: «خیر و صلاح و پیشرفت این ملل ودیعه مقدسی به‌گرون تمدن جدید است، و باید در این پیمان موادی گنجانده شود که ادای حق این ودیعه را تضمین کند.» ازبیه عثمانی میان فاتحان جنگ جهانی

اول تقسیم شد. از جمله جاهایی که انگلستان گرفت فلسطین بود. انگلستان رسماً قیم، سرپرست و کنفل سرزمین فلسطین شد. انگلستان براساس بیانیه بالفور یا این شرط که هیچ عملی انجام نشودکه حقوق مدنی و مذهبی جمعیت غریب‌هودی ساکن فلسطین را به خطر بیندازد، فلسطین را به صهیونیست‌ها سپرد. «صهیونیست‌ها، یعنی یهودیانی که در اطراف وکناف دنیاز زندگی می‌کردند. و جامع مشترک‌شان تنها مذهب بود، فقط به دلیل اینکه فرنگی‌ها به اینها زجر داده‌اند و اینها دنبال نقطه‌ای می‌گردند که آنجا جمع شوند، و به دلیل اینکه مردم خیانت‌پیشه‌ای هستند، و به دلیل اینکه کتاب مقدس شان به آنها اجازه داده که اگر به سرزمینی رفتید، رحم نباید در شما وجود داشته باشد و از هیچ وسیله‌ای برای پیشبرد هدف‌تان امتناع نکنید، با مساعدت انگلستان وسیله‌مهاجرت‌شان‌به این سرزمین تأمین شد. زمین‌ها را خریدند درحالی‌که یهودی بومی در فلسطین بیش از پنجاه هزار نفر نبود و یهودیان اروپایی و آمریکایی که آمدند، از جمله بدبختی‌هایی که به وجود آورده‌اند این است که سرپار یهودیان اصیلی هستند که حق دارند در آنجا زندگی کنند. یک عده روشنفکر در میان اعراب قیام کردند، انقلاب کردند. اینها را کشتند، اعدام کردند، به دار کشیدند. مرتب یهودی‌ها را فرستادند. همین‌که عده زیاد شد، اسلحه زیادی هم در میان‌شان پخش کردند. بعد اینها افتادند به جان مسلمانان بومی؟ کشتند وززند و بعد هم آواره کردند. پشت سر یکدیگر، از کشورهای اروپایی مهاجرت می‌شد. آمدند و آمدند. این یهودیانی که شما امروز اسم‌شان را می‌شنوید آخر ببینید اینها از کجای دنیا آمده‌اند؟! امروز در حدود هشت میلیون نفر فلسطینی، آواره از خانه و زندگی‌شان هستند. این روایت مفید و مختصری است که استاد مطهری در شرح ماجرای فلسطین و تشکیل دولت جعلی اسرائیل ذکر کرده است. (حماسه حسینی، ج۱، صص ۲۷۲- ۲۷۱ و یادداشت‌های استاد مطهری، ج۱، ص ۱۳)

۲) آیا فلسطین مساله‌ای عبری-عربی است؟

شما می‌بینید می‌خواهند به نام عبریت و قومیت عربی با اسرائیل مبارزه کنند، در صورتی که خود اسرائیل روی قومیت و نژاد نیست، اساسش روی مذهب است و از احساسات مذهبی به منتها ای مراتب استفاده می‌کنند. یک نویسنده پاکستانی گفته بود: «در جنگ شش روزه ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل، مذهب بر ملیت پیروز شد.» مقصودش این بوده‌است که اسرائیل بر مبنای صهیونیسم که اساسش مذهب است بر عرب که ملیت‌اش روی قومیت عربی است پیروز شد. سال ۱۳۴۷ شمسی در یکی از مجامع سخنرانی در «رابطهٔ اعمال اسلامی» محمود صراف بعد از آنکه تاریخچه فلسطین را از ابتدا مخصوصاً در دوره اسلامی در جنگ‌های صلیبی تا زمان حاضر نقل می‌کند از اینکه نیروی اسلام را از معرکه خارج کردند و به جای آن نیروی عبریت گذاشتند، انتقاد کرده‌است. این مبلغ برجسته عراقی فریاد کشید و گفت: «الانسلام لم یُدْ خُلی الْمَعْرَکَةُ فُطْرًا»؛ به خدا قسم که اسلام در این معرکه اصلاً داخل نشد و دخالت نکرد و راهی به آن ندادند. در حالی که همیشه نیروی اسلام حامی فلسطین بوده نه عبریت و امروز عبریت را بر جایگزین اسلام کرده‌اند. (اسلام و مساله ملیت صص ۳۰- ۲۹ و یادداشت‌های استاد مطهری، ج۱، ص ۸)

۳) فلسطین، همبستگی اسلامی و تقصیر مسلمانان

قرآن کریم در آیهٔ ۶۸ سوره انعام می‌فرماید: «قُلْ هُوَ أَفْأَدُ عَلیٰ نَ بَیْتَعِ عَلیکُم عَذا بًا مِن قَولِکُمْ أَوْ مِن تَحُتِ اِزْجِلِکُم أَوْ یَکُفِکُم شِیعًا، بَگَور أَوْ تَوانَسًا که بر شما عذاب‌ایی از آسمان یا زمین فرستد یا شما را به اختلاف کلمه و پراکندگی درآکندد و بعضی را به عذاب بعضی گرفتار کند. بنگر چگونه ما آیات خود را به طرق مختلف بیان می‌کنیم، شاید مردم چیزی بفهمند.

استاد مطهری وضع امروز مسلمان را روزگاری نحس و مصداق عذاب‌ی می‌داند که حاصل قرن‌ها قدم برداشتن مسلمان در راه جدایی و دشمنی و تحریک اعصاب علیه یکدیگر است. شاید شما احساس عذاب نکنید ولی به نص قرآن مجید ما مردم معذبی هستیم، مردمی هستیم که خودمان به جان یکدیگر افتاده‌ایم، ما ملل مسلمان، امروز در ایام نحسات به سر می‌بریم. مظهر اعلامی آن عذاب الهی اسرائیل است. رواج اندیشه قومیت پرستی و ملیت پرستی و به اصطلاح ناسیونالیسم، که به صورت‌های پان عربیسم، پان ایرانیسم، پان ترکیزم، پان هندوئیسم، و در کشورهای اسلامی با وسوسه استعمار تبلیغ شد، و همچنین سیاست تشدید نزاع‌های مذهبی شیعه و سنی، و همچنین قطعه قطعه کردن سرزمین اسلامی به صورت کشورهای کوچک و قهراقیب، همه برای مبارزه با آن اندیشه ریشه کننده استعمار یعنی «اتحاد اسلام» بوده و هست. شمالان ببینید آسیبی که مسلمان در فلسطین می‌بینند، آن اندازه‌ای که خود مسلمان‌ها دخالت دارند بیشتر است یا اسرائیل که یک دشمن خارجی است؟ الان خطر سربازهای اردن برای چریک‌های آواره بیشتر است یا خطر سرباز اسرائیلی؟ و همیشه چنین بوده و چنین هست. به اندازه‌ای که ما مسلمان خودمان علیه یکدیگر فعالیت می‌کنیم دشمنان ما علیه ما فعالیت نمی‌کنند. چندی پیش

مرد روحانی عالمی گفته بود هیچ فرق نمی‌کند که فلسطینی‌ها اسرائیلی‌ها را بکشند یا اسرائیلی‌ها فلسطینی‌ها را بکشند. قرآن کریم در آیهٔ ۷۳ سوره انفال می‌فرماید: «وَ الَّذِینَ کَفَرُوا یَعْضُهُم اَلیابُهُم بَعْضُهُمْ لِابْغَی اَلْآخَرِیهِ فَنُفِثَ فی الْأَرْضِ وَ فُسِّدَ کَیْبُهُ» آنان که کافر شدند نیز دوستاندار و مددکار یکدیگرندند و شما مسلمین اگر آن را (که خدا دستور داده از انفاق و اخوت و…) کار نبینید همانا فتنه و فسادِ بزرگی روی زمین رخ خواهد داد. قرآن اینچنین می‌گوید اما ما می‌گوییم اسرائیل که اَلَّذِالْأَخْصَامِ مسلمین است یعنی مسلمین دشمنی عنودتر و خطرناک‌تر از اسرائیلی‌ها ندارند، هیچ فرق نمی‌کند که آنها فلسطینی‌ها را بکشند یا فلسطینی‌ها آنها را! بعد هم می‌خواهم یک ملت مسادتمند باشیم. من با شنیدن این حرف یاد آن حدیث معروف در تفسیر امام عسکری(ع) افتادم. امام را جعبه بعضی از آنهایی که نام‌شان علماست، و در آخر الزمان پیدا می‌شوند، می‌فرماید: «هَم اَضْرَبُ عَلَی شِعْطًا مِنْ جِیشِ یَزِیدَ عَلَی الْخُسَینِ بِن عَلَی عَلَیه السَّلَامُ و اِضحاه» یعنی ضرب اینها بر امت اسلام از لشکر یزید بر حسین بن علی(ع) بیشتر است. واقعاً هم همین طور است. آدمی که این فکر را در میان مردم تبلیغ کند، ضررش بر اسلام از لشکر یزید بر امام حسین کمتر نیست.

به نظر استاد مطهری علت اینکه دولت‌های بزرگ جهان چندان درباره سرزوش‌ت ما نمی‌اندیشند، این است که معتقدند مسلمان غیرت ندارد. آمریکا فقط همین یکی جری کرده است؛ می‌گوید مسلمان جماعت غیرت ندارد، همبستگی و همدردی ندارد. می‌گوید یهودی که برای پول می‌میرد، جز پول چیزی را نمی‌شناسد. خدایش پول است، زندگی‌اش پول است، حیات و ممتاش پول است، به یک چنین مساله حساسی که می‌رسد روی یک میلیون دلار به هم کشایشن کمک می‌کند ولی ۷۰۰ میلیون مسلمان دنیا کوچک‌ترین کمکی به همکیش خود نمی‌کنند. شهیدمطهری حتی همبستگی یهودیان آمریکایی را تحسین کرده و می‌گوید شما در روزنامه‌های خودمان می‌خوانید که در آمریکا بیش از ۳۸۰ کمپته جمع‌آوری برای اسرائیل وجود دارد. من از این نظریات را تقدیر می‌کنم که ملت بیداری هستند، برای خودشان دارند کار می‌کنند. این ملت می‌فهمد که راهش همین است. هر مردمی در هر محله‌ای، در هر گوشه‌ای هستند، خودشان باید بشینند، فکر کنند، کار کنند، آگاهی و اطلاع به دست آورند، عقابت را ببینند بشینند. این آگاهی است و تحصیل آگاهی واجب است. این قدرت است و تحصیل قدرت واجب است. «آشنایی با قرآن ج ۳ ص ۱۹۷- ۱۵ گفتار ص ۱۲۷- ۱۵ گفتار ص ۷۵»- بررسی مساله نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر ص ۳۱- حماسه حسینی ج۱ ص ۲۷۵- حماسه حسینی ج۱ ص ۲۹۲. رفتار تبعیض آمیز آمریکا دوست‌های غربی در مقابل جنگ ایران و میانان غزه نمایند همین تحلیل است. هنوز هم در مقابل همبستگی دشمنان اسلام اختلاف مسلمین قرار دارد. هنوز هم اینقدری که مسلمان از دولت‌های خودی ضربه می‌خورند از دولت‌های غربی لطمه نمی‌بینند. به جای ایستادن طرف همه یک‌شان دست به عادی‌سازی با ظالم می‌زنند. «مناسبات اقتصادی‌شان را با اسرائیل تقویت می‌کنند. طوری که اظهار نظر و محکومیت زبانی بعضی از دولتمردان کشورهای اسلامی را باید دستاوردهای تلقی کرد.

۴) جهاد در راه دفاع از جان، خانه و آزادی

جهاد در اسلام موارد متفاوتی دارد. در یک مورد می‌گویند اجازه امام معصوم شرط نیست، تقریباً نظیر همین وضعی که الان اسرائیل به وجود آورده که سرزمین مسلمان را اشغال کرده است. در اینجا بر مسلمان اعم از زن و مرد، آزاد و غیر آزاد و دور و نزدیک واجب است در این جهاد که اسمش دفاع است شرکت کنند و هیچ موقوف به اذن امام نیست. می‌گوییم امام از دور و نزدیک، چون شهید ثانی در مسالک الافهام، ج۱، ص ۱۱۶ می‌گوید: «وَلَا یُخْتَصُّ بِمَن قُصدُهُ مِنَ الْمُسْلِمِینَ بَلْ یُجِبُ عَلَی مَن عَلِمَ بِالْحَالِ التَّهَوُّشُ اِذْلَامَ عِلْمِهِ قُدْرَةَ الْمُقْصِدِ مِنَ عَلَی الْمُقَاتِلَةِ»، این جهاد به افرادی که سرزمین‌شان، مال‌شان، جان‌شان، ناموس‌شان مورد تجاوز قرار گرفته اختصاص ندارد، بلکه بر هر مسلمانی که اطلاع پیدا کنند واجب است مگر اینکه بدانند که آنها خودشان کافی هستند، خودشان دفاع می‌کنند، یعنی قدرت دشمن ضعیف است و قدرت آنها قوی است و نیازی ندارند، و الا اگر بدانند نیاز به وجود او هست واجب است و هر چه که نزدیک‌تر به آنها باشند واجب‌تر است یعنی وجوب مؤکد می‌شود (سبیری در سیره‌التمه اطهار ص ۵۹).

مبارزه برای آزادی فلسطین و دفاع از خود و خانه از مبارزهای به‌پشتوانه ملیت، عبریت و گرایش‌های سوسیالیستی به مبارزه به پشتوانه جهاد اسلامی تبدیل شده است. یاسر عرفات یا به قول فلسطینی‌ها ابوعمار مبارزی بود که از لحاظ ایدئولوژی ملای‌گرو و سوسیالیست عربی محسوب می‌شد. مصالحه و مذاکره او با اسرائیل در پیمان اسلو و کمپ بودید۲ حجت موجهی است برای هر کسی که فکر می‌کند اسرائیل درکی از صلح دارد. ابوعمار که پس از سال‌ها مبارزه سلاح‌را زمین گذاشت و پرچمش را برای صلح بالا برد و همراه اسحاق رابین، جایزه صلح نوبل را هم دریافت کرد وقتی با زیاده‌خواهی‌های اسرائیل در برابر گذشت او از حقوق مسلم‌شان مواجه شد، ضمن اعلام شکست مذاکرات سه بار گفت الجهاد الجهاد الجهاد. البته اسرائیلی‌ها ایندا

حصرش کردند و بعد نیز دست به تور بیولوژیک عرفات زدند تا از سر راه برداشته شود. اگر کسی هشتگ نه به جنگ می‌زند یا حماس و اسرائیل را د طرف مقرر ما جرا قرار می‌دهد، اول تاریخ بخواند و بعد از آن با خودش فکر کند هیچ جنگ و تجاوزی بدون تعیین و تنبیه متجاوز و اشغالگر پایان نخواهد یافت. همه کسانی که رُست انسان‌گرایی و بی‌طرفی گرفته‌اند نه در نام نه در عنوان و جایگاه و نه در دانش به گرد پای ژان پل ساتر، فیلسوف اگزیستانس قرن بیستم نمی‌رسند. به تعبیر شهیدمطهری اگر انسان‌گرایی و اومانیسم صوتی بی محتوا باشد، نتیجه‌اش همان انسان‌گرایی سازه‌است که هرچندی یک‌بار او را می‌بینیم که بر مظلومیت اسرائیل اشک تمساح می‌ریزد و از ستم اعراب، به خصوص آوارگان فلسطین، ناله‌ها سر می‌دهد (انسان در قرآن ص ۷۲). جنگیدن برای دفاع از خود مقدس است، اگر دفاع از ملت باشد چون جنبه شخصی به جنبه ملی تبدیل می‌شود مقدس‌تر است و مقدس‌ترین جنگ‌ها جنگی است که به عنوان دفاع از حقوق انسانیت صورت گرفته باشد.

۵) اسرائیل شمر زمانه‌ما

به نظر شهید مطهری قضایایی نظیر فلسطین باید روی منابر به اطلاع مردم رسانده شود. سخنگوی دین، خطبای اهل منبرند. امام رضا فرمودند: «وَ یُخْرِیْهُمْ بِمَا یُرِدُّ عَلَیْهِمْ مِنَ الْأَفَاقِ مِنَ الْأَخْوَالِ الَّتَی فیها الْمَصْرُفَةُ وَ الْمُنْفَعَةُ، آنچه در دوزخ است، آنچه در زیر پرده می‌گذرد به مردم بگویند. کلام امام رضا جدی است. ما باید بدانیم ماتریالیسم چه فعالیت‌هایی دارد، صهیونیسم چه فعالیت‌هایی دارد. اطلاع و آگاهی از اینها و گفتن و باگور کردن اینها واجب است. باید بدانند بر سر بردارن مسلمان‌شان در شهرهایی که سابقاً جزء ایران بود و امروز جزء کشورهای کمونیستی است، چه می‌گذرد. باید بدانند در ترکستان شرقی بر مسلمانان چه می‌گذرد. باید بدانند وضع مسلمان در کشمیر چگونه است. آوارگان فلسطینی در چه وضعی هستند و اسرائیل چه خطر بزرگی برای عالم اسلام است. منبر حسین بن علی(ع) اگر این طور باشد، می‌تواند حافظ اسلام باشد. فلسفه عزاداری حسین بن علی اینهاست، و الا چه فایده‌ای به حال حسین بن علی که برایش گریه کنیم؟ او چه احتیاجی دارد به گریه ما و شما؟ حسین بن علی می‌خواهد نام او و مکتب او زنده باشد، در مکتب او با هر باطلی بجنگیم، با کمونیسم بجنگیم؛ با ظلم، با بی‌عدالتی، با فساد، با فحشا، با فحار، با ماسکرات مبارزه کنیم.

«الشَّهِدُ اَنَّکَ قَدَّ اَقْدَمْتَ السَّلْوةَ وَ اِتَّيْنَاکَ وَاِتْرَبْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَعِیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ جَاهَدْتَ فی سَبْلِ اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ»، باز هم مگر ذکر تو و نام تو یاد تو ما را به حرکت درآورد. «بِالْیَتَاکُنَا عَمَکُمْ فَتَقْوُوا مَعَكُمْ». آرزوی شرکت در حادثه‌ای که از آن ۱۳۸۰ سال گذشته معنی ندارد. اینها برای این است که ما همیشه به خودمان تلقین کنیم و حسین بن علی را به صورت یک مکتب زنده حفظ کنیم. اگر شخص حسین بن علی، مکتب او زنده است، در مکتب حسین و در زیر لوی حسین مبارزه کنیم، در سایه حسین در راه حق قدم برداریم (۱۰ گفتار، صص ۲۷۹- ۲۷۷).

البته شهید مطهری این حرف را در روزگار طاغوت زده و در مواضع دیگر تصریح کرده تبلیغ‌منحصر به منبر و روحانیت نیست و همه وسایل اعم از کتاب، فیلم و تئاتر می‌توانند رسانه‌ای حق باشند. شما فیلم با یازمانه زنده یاد شهید الله داد را تماشا کنید! اگر چند منبر و چند همایش و چند چند میلیارد بودجه سازمانی را نمی‌د؟ اگر امروز حاکمیت در دست روحانیت است و سازمان‌ها و دستگاه‌ها روزانه هزاران تبلیغ‌امر ردینی تأسیس و تشکیل شده و وضع تبلیغ خوب نیست، اصل حرف از میان نمی‌رود. در واقع وظیفه‌از من و شما ساقط نمی‌شود. صدا و سیما و روحانیت یک صدم الحیز بر دستانه‌ای ندارد؟ باشد. ذهن نوجوان و جوان ما امروز از شبکه‌ها اجتماعی و ایران اینترنشنال و منتوس ساخته می‌شود؟ باشد. شهید مطهری می‌گوید علی شیعه جاهل نمی‌خواهد، علی شیعه‌ای که حقه‌بازها و یهودی‌ها و جهودها ببینند برایش شیعه درست کنند و مثل برق در میان این مردم ساری و جاری شود، نمی‌خواهد و از او بیزار است. چشم‌هایمان را باز کنید، گوش‌هایمان را باز کنید، هر حرفی را که می‌شنوید فوراً بگویید «می‌گویند چنین». آخر این می‌گویند، هاریشه‌هایش یک جاهای خطرناک است. تحقیق کنید، بعد از تحقیق هر چه که می‌خواهید بینکم و بین‌الله بگویید، اما بی تحقیق حرفی را نزنید! (سبیری در سیره‌التمه اطهار صص ۴۴ و ۴۵).

تا جایی که توانستم پای قلم خود را از متن بیرون کشیدم و همان حرف‌های شهید مطهری را با تاملخیص و سر و شکلی مرتب‌تر تقدیم شما کردم. همراه با جمهوری اسلامی یا در برابر جمهوری اسلامی، با رسانه و بدون رسانه، با مدخلوری یا بدون مدخلوری از وضع اقتصاد و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خودمان، خسته از زندگی در خاورمیانه و دل‌بسته به زندگی در جهان متمدن حقوق بشری، فلسطین در برابر وجدان ماست. آغاز این نوشتار با کلام شهید بود و پایان آن هم با کلام همان شهید باشد.

«من وظیفه خودم را عمل کردم. وظیفه من فقط گفتن بود و خدا می‌داند جز تحت فشار وجدان و وظیفه خودم چیز دیگری نبود.»

فرهیختگان

آرنده حکمرانی

[نقد و بررسی اندیشه‌ها]



یکشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۲



شماره ۳۹۹۹



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

۱۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ۱۳۰۷ و ماده ۱۲۰۷ (بیمه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر اثر شماره ۱۳۰۷/۳۱۶۰۰ مورخ ۱۳۲۷/۰۷/۰۸) هیات اول دوم موضوع تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلاعارض مناقضی آقای /خاتم رضا مراد بهرامی نژاد بهرام به شماره شناسنامه ۹۷۸۵ و شماره ۳۲۵۱۲۱۷۷ صادره از کرمانشاه در شناسنامه ملک یک باب ساختمان به مساحت ۱۲۹٫۵۴ مترمربع به آدرس کرمانشاه خیابان دانشجو بعثت کوی ۸ متری طاقانی پلاک ۱۲۳، واقع در محدوده اراضی پلاک ۵۰۶ فرعی از ۲۷۲ اصلی بخش یک حوزه حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک اداره

صدای نخبگان، نگاه جوانان

WWW.FDN.IR

روزنامه فرهیختگان

farhikhteganonline

FARHIKHTEGAN



مدرسه عالی مهارتی

رسانه‌ای فرهیختگان

۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵

Farhikhteghan_school